

Ancient Iranian Mythology Manifestations in the Imam Reza's Shrine

By Rjab Ali Labbaf Khaniki¹

Abstract:

The magnificent architectural complex of the Imam Reza's Shrine is not only a final destination for the hearts, but also a healer for the eyes and a manifestation of culture, art, science, and literature. Among the cultural manifestations of the Holy Shrine that recall the Iranians' ancient beliefs are scenes depicting mythological narratives in various locations. Beyond the architectural structure and spatial design of the Shrine, which are likely shaped by their mythological origins, the Shrine's miniaturists, with their understanding and mastery of certain motifs' mythological functions, have utilized them. While taking advantage of their decorative aspects, they seem to have intended to visualize the myths and legendary narratives that have formed the backbone of Iranian culture and history for millennia by embodying their core elements on the Shrine complex buildings. Mythical creatures such as dragons and real animals like lions and cows, and vital elements such as the sun, birds, and plants plays a defining role in the cycle of life and the governance of the universe, are among the motifs that have shaped the mythological scenes of the Shrine's tile work and miniature painting. This article will explore the philosophical significance and function of each element.

Keywords:

Imam Reza's Shrine, mythology, history, motif, inscription, miniature painting.



تجلی اساطیر کهن ایرانی در حرم رضوی

رجبعلی لباف خانیکی^۱

چکیده

مجموعه معماری فاخر حرم مطهر رضوی نه تنها مضاف دل‌ها، بلکه نوازشگر چشم‌ها و تجلی‌گاه فرهنگ، هنر، علم و ادب نیز هست. از جمله تجلیات فرهنگی حرم مطهر که یادآور باورهای کهن مردم ایران‌اند. صحنه‌های نمایش روایت‌های اسطوره‌ای در مواضع گوناگون است. گذشته از ساختار معماری و فضاشناسی حرم مطهر که احتمالاً با توجه به خاستگاه اسطوره‌ای آن‌ها شکل گرفته‌اند، نگارگران حرم مطهر نیز با شناخت و اشراف بر کارکرد اسطوره‌ای برخی نقوش از آن‌ها استفاده کرده‌اند و ضمن بهره‌برداری از جنبه‌های تزئینی آن‌ها گویی قصد داشته‌اند تا افسانه‌ها و روایات اسطوره‌ای را که هزاران سال شاکله اصلی فرهنگ و تاریخ ایران بوده‌اند، با تجسم عناصر اصلی تشکیل‌دهنده آن‌ها بر بدنه بناهای مجموعه حرم مطهر به تصویر کشند. جانوران خیالی مثل اژدها و حیوانات واقعی مثل شیر و گاو و عناصر حیاتی مثل خورشید و پرندگان و گیاهان که هر یک نقش تعیین‌کننده در چرخه زندگی و اداره جهان هستی دارند از جمله نقش‌مایه‌هایی هستند که صحنه‌های اسطوره‌ای کاشی‌کاری و نگارگری حرم رضوی را شکل داده‌اند. در این مقاله با فلسفه وجودی و کارکرد هر یک از آن‌ها آشنا خواهیم شد.

واژگان کلیدی

حرم مطهر، اسطوره، تاریخ، نقش، کتیبه، نگارگری.



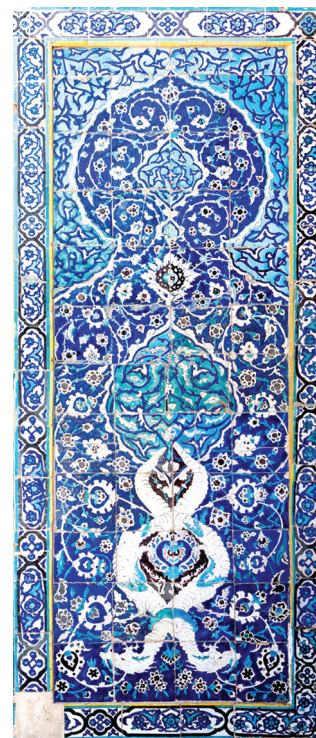
تجلی اساطیر کهن ایرانی در حرم رضوی

حرم مطهر امام رضا علیه السلام نه تنها یک زیارتگاه و مکانی مقدس، بلکه نگارستانی نیز هست که در جای جای آن کتیبه و نقش تجلی دارد و از ایمان و دانش و هنر مردم این سرزمین حکایت می‌کند. از دیگر تجلیات نگاره‌های مجموعه معماری حرم مطهر اسطوره‌های کهن ایرانی‌اند که عموماً خاستگاه فرهنگی و ساختاری والایی دارند. اصولاً اسطوره‌ها به مثابه آینه‌هایی هستند که تصویرهایی را از ورای هزاره‌ها منعکس می‌کنند و آنجا که تاریخ و باستان‌شناسی خاموش می‌مانند، سر برمی‌آورند و با ما سخن می‌گویند (هینلز ۹: ۱۳۶۸). برخی برای اسطوره چنان اهمیتی قائل شده‌اند که روایات اسطوره‌ای را «خرد زندگی» تعریف کرده‌اند (کمبل ۱۳۷۷: ۲۸).

مبادی و سرچشمه‌های فرهنگ ایران نیز از دیرباز به باورها و داستان‌های اسطوره‌ای مربوط می‌شده که هرکدام مبین نیازی خاص و بازتاب آرزویی ملی و جهت یافته بوده است. افسانه و اسطوره به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ با خلاقیت قومی رابطه‌ای مستقیم دارد و مراد از آن خلاقیت، در اینجا نوعی آفرینش هنری است (یا حقی ۵: ۱۳۶۹). بدیهی است که حرم مطهر اساساً یک آرامگاه یا معبد است و معبد خود پیشینه و پشتوانه اسطوره‌ای دارد؛ زیرا در گذشته‌های بسیار دور، معبد جهت اقامتگاه خدایان ساخته می‌شد. کهن‌ترین معابد به عنوان «خداخانه» یا «خانه خدا» در مصر و سوریه ساخته شده‌اند. معبدها را معمولاً به گونه‌ای بنا می‌کردند که سقفی منقوش به نقش خورشید، ستارگان و پرندگان داشته باشد. ستون‌ها حجاری و با نقش گیاهان آراسته می‌شدند به گونه‌ای که گویی نقش ستون‌ها از زمین رسته‌اند. هریک از آن معابد به تنهایی نماد جهان آفرینش بودند؛ زیرا کف معبد نماد زمین و جهان فرودین و سقف یا آسمان آن‌ها، نماد آسمان و جایگاه خدایان، افلاک و پرندگان بود و ستون‌ها که درختان و گیاهان را مجسم می‌کردند واسطه بین زمین و آسمان بودند (هال ۱۳۸۰: ۱۸۶-۱۸۵).

معماران و هنرمندان ایرانی هم با نگرش اسلامی و توحیدی خود، گویا با رمز و راز سازه‌ها و نگاره‌ها می‌خواستند قصه تجسم همان اسطوره‌ها را بازگویند، زیرا بر فراز ستون‌ها و دیواره‌های مزین به اسلیمی‌ها و گیاهان، آسمانه‌ای مزین به شمسه و ستارگان (در انتهای آویز مقرنس‌ها) برافراشته و در نهایت فضاهایی را تدارک دیده که در آن‌ها تلاوت آیات قرآن و برگزاری نماز و نیایش و راز و نیاز به درگاه خدای بی‌نیاز مرسوم بوده است. با وجود این، تجسم واقعی اسطوره‌ها برنگاره‌ها و کاشی‌کاری‌های مجموعه حرم مطهر مشاهده می‌شود؛ اسطوره‌هایی که هریک ریشه در خلقت، باروری، شجاعت، نور، تاریکی، زندگی و مرگ دارند از جمله:

۱- ازدها: بیشترین نقش در میان جانوران، نقش حیوان خیالی و اسطوره‌ای ازدها در صحن‌های انقلاب و آزادی است. جایگاه آن نقش‌ها، اسپر دیوارهای دو طرف ورودی به غرفه‌های طرفین ایوان ورودی بالا خیابان در صحن انقلاب (تصویر ۱)



تصویر ۱: اسپر دیوارهای دو طرف ورودی به غرفه‌های طرفین ایوان ورودی بالا خیابان در صحن انقلاب؛ عکس از سید علی حسینیان نسب

جایگاه اسطوره‌ای و علت فراوانی این نقش در حرم مطهر چیست؟

در فرهنگ ایرانی اژدها جانوری است اساطیری که آتش از دهان می‌افکند و گنج‌های زیر زمین را پاس می‌دارد (یا حقی، همان: ۷۵) صورت فلکی اژدها که به (تئین Tennin) معروف بوده (خوارزمی ۲۱۰: ۱۳۸۳) ماهیتی دو چهره دارد. از سویی آب‌ها (ابرها) را در آسمان و کوهستان در انحصار می‌گیرد تا اینکه (اندرا andra) خدای حامی آریائیان و آورنده باران‌های فراوان او را می‌کشد و ابرها را آزاد می‌کند (یا حقی، همان: ۱۱۴) یا اهریمن، اژدها را برای نابود کردن ایرانیان و به هلاکت رساندن معتقدین به «آش asha» (عدل و داد) آفریده که در نهایت به دست «وَرْتَرَعَن» (بهرام)، دلاوری که جانشین فریدون شده است، اسیر و در کوه دماوند به زنجیر کشیده می‌شود (کارنوی ۱۳۴۱: ۸۵، ۱۸-۱۷م) و از سوی دیگر اژدها نماد قدرت الهی و جهش معنوی است؛ زیرا او از «آب اولیه» و از سوی دیگر تخم کیهان را که تصویری از کلمه (خلاق) است تُف می‌کند، او تجسم همان ابری است که امواج بارور کننده خود را فرو می‌ریزد و با چنین کارکردی علامت بخت و اقبال است (هال ۲۱-۲۴: ۱۳۸۰). بنابراین نمادگرایی اژدها چند وجهی است و این امر در ترسیم نقش اژدها کاملاً محرز است؛ زیرا تمامی صور اژدها در نگارگری حرم مطهر دو به دو در مقابل یکدیگر به تصویر کشیده شده‌اند که یقیناً نماد خیر و شر ناشی از فلسفه وجودی و شخصیت دوگانه حیوان افسانه‌ای اژدها هستند.



تصویر ۲: اسپر ایوان ورودی
و سر پایه غرفه‌های اطراف
صحن آزادی؛ عکس از سید
علی حسینیان نسب

۲- شیر: شیر یا اسد برج پنجم از بروج فلکی است که به آن «خانه آفتاب» نیز گفته‌اند (دهخدا ۱۳۷۷: ذیل حرف الف) اسد به دلیل قرار گرفتن در دایرة البروج از اهمیت خاصی در میان صور فلکی برخوردار است. این صورت فلکی دارای قدمت زیادی است؛ زیرا در عهد باستان در ملل گوناگون چون ایران، بابل، سومر، روم و یونان شناخته شده بود. در اساطیر ایرانی «امرداد» (اسد) روشنی و روز را از تخم گاو برگرفت و به ماه برد تا روشنی را که در گاو بود به ماه سپارد و آن تخم را به روشنی بیالود و وی را به بهترین چهره‌ها بیاراست و دارای جان بگرد و وی را بر فراز «ایرانویچ» (سرزمین آریاها) آفرید (بهار ۸۸: ۱۳۶۲). نقش شیر به نشانه قدرت و سلطنت و روشنایی، به کزات در سنگ نگاره‌ها و ظروف فلزی و سکه‌های هخامنشی و اشکانی و ساسانی آمده است و در کهن ترین تصاویر، شیرها نگهبانان نمادین پرستشگاه‌ها، قصرها و آرامگاه‌ها بودند و تصور می‌رفت درنده خوبی آن‌ها موجب دور کردن تأثیرات زیان بار می‌شود. در کتاب‌های جانور شناسی قرون وسطی نیز شیر نماد رستاخیز است (هال، همان: ۶۴-۶۱). برخی آغاز همراهی شیر و خورشید را به دوره سلجوقیان نسبت داده‌اند (کسروی ۱۰۵-۱۰۳: ۲۵۳۶). احتمال دارد تجسم شیر و خورشید که هردو با ایزد مهر ارتباط دارند برگرفته از اساطیر کهن ایرانی و قبل از قرن هفتم هجری قمری باشد؛ زیرا ایرانیان از گذشته‌های بسیار دور شیر را با ستاره «تشتَر» (تیر) ارتباط داده و می‌پنداشتند که تشتَر «ستاره قطب الاسد» بوده و باران‌های سودمند تابستان را همراه می‌آورده است (کارنوی ۲۱: ۱۳۴۱؛ خوارزمی، همان: ۲۱۴).

نقش شیر به اشکال گوناگون در سه موضع از حرم مطهر آمده که هر یک روایتگر اسطوره یا حکایت خاصی است. یکی از آن‌ها نقش زرد رنگ سر شیری است بر فراز تیزه طاق جناقی ایوان شمالی صحن آزادی و در محل تلاقی دو اسلیمی که لچکی‌های طرفین طاق را پر کرده‌اند. این نقش دایره‌ای شکل در عین حال گویا تجسم نقش خورشید نیز هست به گونه‌ای که صورت او کاملاً دایره‌ای و موهای اطراف سر به گونه‌ای ترسیم شده‌اند که شعاع‌های خورشید را تداعی کنند. (تصویر ۳)

در صحنه‌ای دیگر دو شیر زرد رنگ بر بالای تیزه طاق ایوان نقاره خانه صحن انقلاب در حال حمله به مرد کریمه‌المنظری به تصویر کشیده شده‌اند. این صحنه اگر چه تجسم حمله دو شیر به شخصی به نام «حمید بن مهران» حاجب مأمون در پاسخ به اهانت او به امام رضا علیه السلام است؛ اما حمید بن مهران که در پای شیران افتاده و شیران در حال دریدن او هستند) (حسینی - نیکجو ۱۴۰۰: ۸۰۴-۷۹۵) با لباس سفید بلندی با نقش بته‌جقه و شال کمر آبی رنگ به گونه‌ای به تصویر کشیده شده که به «دیو سفید» شباهت دارد و همان گونه که در شاهنامه فردوسی رستم بر دیو سفید چیره شده (فردوسی ۱۳۶۳ ج: ۱: ۲۷۲-۲۶۹) در اینجا نیز شیرها با ویژگی‌های مثبت خود بر «حمید بن مهران» غلبه یافته‌اند. جالب است که بر بالای سر شیران ترنجی زرد رنگ شبیه خورشید با پرتوهای سفید رنگ به تصویر کشیده شده تا احتمالاً اشاره‌ای به اسطوره شیر و خورشید نیز داشته باشد. (تصویر ۴)



تصویر ۴: دو شیر زرد رنگ بر بالای تیزه طاق ایوان نقاره خانه صحن انقلاب؛ عکس از سید علی حسینیان نسب



تصویر ۳: نقش زرد رنگ سر شیری بر فراز تیزه طاق جناقی ایوان شمالی صحن آزادی؛ عکس از سید علی حسینیان نسب

سومین صحنه، نقش غلبه شیر بر گاو بر لچکی‌های طرفین طاق غرفه‌های دو طرف ایوان ورودی بالا خیابان در صحن انقلاب است. (تصویر ۵)



تصویر ۵: نقش غلبه شیر بر گاو بر لچکی های
طرفین طاق غرفه های دو طرف ایوان ورودی بالا
خیابان در صحن انقلاب؛
عکس از سید علی حسینیان نسب

شیر و گاو دو نماد اسطوره‌ای مطرح در فرهنگ اقوام مختلف اند که با وجود قدسی بودن هردو، مانند ایزد مهر و گاو در معابد مهری کارکرد متضاد دارند (هال، همان: ۸۸-۸۵، ۶۴-۶۱). این دو صحنه بدون تردید از صحنه «شیر گاوکش» بر بدنه پلکان شرقی آپادانای تخت جمشید الهام گرفته و احتمالا همان پیام را نیز در خود دارد. برخی دانشمندان آن صحنه را تفسیر نجومی نموده و اظهار نظر کرده‌اند: از قدیم شیر یکی از صورت‌های فلکی یا برجی نجومی بوده و همواره در هنر، نجوم و ادبیات با خورشید مربوط بوده است.

گاو نیز از علائم فلکی و «برج ثور» بوده و هنگامی که خورشید به منزل گاو «برج ثور» می‌رسید بر آن تفوق می‌یافت. در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد ورود خورشید (نماد شیر) به برج گاو در نزدیکی‌های اعتدال ربیعی (نوروز در تقویم کنونی) بوده و احتمال اینکه صحنه غلبه شیر بر گاو بر پلکان آپادانای تخت جمشید لحظه تحویل سال یا نوروز را تجسم داده باشد زیاد است (شهبازی ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۰۸).

۳- فرشته: به فرشته در زبان‌های کهن ایرانی «سروش» و در عربی «ملک» یا «هاتف» گفته می‌شود. او در باورها موجودی لطیف و نامرئی است که در بیشتر ادیان و آیین‌ها وصف شده است. در آیین یهود فرشتگان واسطه میان خدا و جهان مادی و به منزله بندگانی هستند که اوامر خدا را در زمین اجرا می‌کنند. در انجیل هم چند بار از آن‌ها نام برده شده و نقش آن‌ها به کرات بدنه کلیساها را زینت داده است. کاتولیک‌ها معتقد بودند فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش آنان پیش از انسان صورت گرفته است. در آیین زرتشت کلمه «ایزد» به فرشتگان اطلاق می‌شد و در فرهنگ اسلام هم فرشتگان مخلوقات پروردگارند که هر گروه و دسته‌ای از آن‌ها طبق برنامه و بر اساس نظمی خاص انجام وظیفه می‌کنند. وجود ملائکه برای اصلاح عالم است و عقل را مجال معرفت آن‌ها نیست در ماهیت فرشتگان و این‌که آن‌ها چه موجوداتی هستند، اقوال مختلفی است. اجمال اینکه آن‌ها موجوداتی غیر مادی هستند که قادرند خود را به اشکال مختلف درآورند و به همه جا راه یابند، آن‌ها فوق‌العاده زیبا هستند و برعکس دیو، نیکوکار و جذابند و آدمی را می‌فریبند (یا حقی، همان: ۳۲۲-۱۴۱).

جایگاه ملائکه را برخی عرشی پنداشته‌اند و معتقدند که صبح و شام به ایشان سلام کنند و ایشان باریتعالی را تسبیح گویند و از بهر اهل ایمان استغفار کنند و در خبر آمده که ایشان چهار فرشته‌اند یکی به صورت آدمی، دوم به صورت گاو و سوم به صورت مرغ و چهارم به صورت شیر یا اسد (قزوینی ۱۳۴۰: ۵۵-۵۴). در نگارگری‌های حرم مطهر دو جفت فرشته بر بخش بالایی دو قاب محرابی شکل در اسپر ایوان دو سوی ورودی صحن آزادی به قرینه نقش بسته که در حال پروازند، و یک گلدان پر از گل سنبل و محمدی را بر سر دست نگاه داشته‌اند. هر فرشته با

صورت گلگون روشن مایل به سفید است و موهای سیاه‌رنگی که از دو طرف صورت به روی شانه‌ها ریخته با تن پوش پیراهن و پیجامه کوتاه صورتی و جبهه آبی و کمر بند زرد گلدار و یک بال سبز-آبی در میان اسلیمی‌ها و گل‌ها آراسته شده‌اند. صحنه با به کارگیری رنگ‌های گرم و متضاد و آکنده از گل و برگ بسیار شاد آراسته شده است. (تصویر ۶)



تصویر ۶: یک جفت فرشته بر بخش بالایی قاب محرابی شکل، در اسپر ایوان ورودی صحن آزادی. (عین همین تصویر در آن سوی ایوان صحن آزادی بر بخش بالایی قاب محرابی شکل، در اسپر ایوان وجود دارد؛ عکس از سید علی حسینیان نسب)

۴- پرنده: پرنده نماد گستره روح انسان است به ویژه در هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کند. بسیاری از اقوام باستان، پرنده‌گان بزرگ را با خورشید، خدایان و آسمان همراه می‌دانستند و تصویر معمولی یک پرنده و مار را در حال جنگیدن نماد کشمکش میان نیروهای آسمانی و زمینی می‌انگاشتند (هال، همان: ۳۹). در بخش‌های مختلف حرم مطهر و در صحن‌های گوناگون انواع پرنده‌گان از قبیل دُرنا، نماد طول عمر و شادی (هال، همان: ۴۹)؛ طاووس، (تصویر ۷) مظهر زیبایی و شهوت و غرور تکبر (یا حقی، همان: ۲۹۳؛ هال، همان: ۶۷-۶۶)؛ لک لک، (تصویر ۸) نماد پرهیزکاری و مبشر بهار (هال، همان: ۹۲)؛ کبوتر، نماد صلح، پیک، مظهر مهرورزی (یا حقی، همان: ۳۴۷)؛ بلبل، نماد عشق و زیبایی و سرور بهار (شوالیه و گبریان، همان: ۱۳۷۹؛ ۱۰۴-۱۰۳؛ دهخدا، همان ذیل ب)؛ فاخته، نماد عشق (هال، همان: ۷۱-۷۲)؛ هدهد، دوست حضرت سلیمان، پیام‌آور، مبشر (یا حقی، همان: ۴۴۷-۴۴۵)؛ سیمرغ، پرنده‌ای ایزدی، نماد حکمت، جلوه حق، نماد خورشید (یا حقی، همان: ۲۶۹-۲۶۶-۲۳۷؛ دهخدا، همان: ذیل س)؛ کارنوی، همان: ۴۹-۴۸؛ شوالیه-گبریان، همان: ۷۱۱-۷۱۰)؛ طوطی، (تصویر ۹) مظهر عشق، تقلید، زیبایی، چند رنگی (هال، همان: ۶۸-۶۷)؛ یا حقی، همان: ۳۰۰-۲۹۸) در میان گل و برگ‌ها و اسلیمی‌ها به تصویر کشیده شده‌اند که علاوه بر زیبایی احتمالاً جنبه اسطوره‌ای آن‌ها نیز مورد نظر بوده است. (تصویر ۱۰)

اما پرنده‌ای که بیش از دیگر پرنده‌گان در نگارگری حرم مطهر تجلی اسطوره‌ای دارد شاهین یا «وَرْتَرُغَن» نماد بهرام و پیروزی و همچنین پیک میان خورشید و «میثر» (مهر) است و آن تیزپرتترین مرغان است. «وَرْتَرُغَن» پرنده و نیروی سحرآمیزی است و یکی از تجلیات او شاهین است و همان شاهین است که به شکل پیک میان خورشید و «میثر» (مهر) درمی آید (کارنوی، همان: ۴۷-۴۶). هنگامی که زرتشت از اهورا مزدا می‌پرسد: اگر من از مردان بدخواه سحر

شدم چاره چیست؟ اهورا مزدا گوید: ای زرتشت پاک گهر، پری از مرغ وارغن (یکی از تجلیات ورتُرنغن) بجوی، این پر را به تن خود بمال و با آن ساحری دشمن را باطل کن، کسی که استخوانی از این مرغ نیرومند یا پری از این مرغ نیرومند را همراه دارد، هیچ مرد توانایی او را نتواند کشت و از جایی بدر نتواند برد (جی کارنوی: ۴۷) در اساطیر ایرانی شاهین و عقاب جای مخصوص دارند. در بعضی از توصیف ها، اهورا مزدا به سر عقاب تشبیه شده و فرکیانی همواره به صورت وارغن (یکی از تجلیات ورتُرنغن) تصویر شده است. (یا حقی: ۲۷۰، جی کارنوی: ۴۷)

توصیفی که در پند نوزدهم «بهرام یشت» اوستا در مورد شاهین آمده با پرنده اسطوره‌ای «ورتُرنغن» تطبیق می‌کند (دوستخواه ۱۳۶۴: ۲۷۸). بنا بر مندرجات بهرام یشت «وارغن» (ورتُرنغن) در نخستین فروغ پگاهی شادمانه پرواز می‌کند و آرزوی ناپدید شدن شب و پدیدار شدن بامداد روشن را دارد. در گزارش‌های اساطیر چینی نیز «مرغ صبح» آوایی پر طنین و حالتی شکوهمند دارد و بامدادان به شادکامی بال می‌گشاید (کوباجی ۱۳۶۲: ۴۴). «ورتُرنغن»



تصویر ۷: نقش
طاووس ورودی
صحن آزادی؛
عکس از سید علی
حسینیان نسب



تصویر ۸: نقش
لک لک ایوان
جنوبی صحن آزادی؛
عکس از سید علی
حسینیان نسب



تصویر ۹: نقش طوطی
ایوان جنوبی صحن
آزادی؛ عکس از سید
علی حسینیان نسب

(شاهین) فرشته‌ای با تجلیات گوناگون بوده است. در یکی از سرودهای اوستا در یشت چهاردهم و در هفتمین نوبت تغییر، «وَرْتَرُغَنَ» به صورت مرغ شاهین در می‌آید که شکار خود را از پایین با چنگال گرفته و از بالا پاره می‌کند. در وصف او آمده است: در میان مرغکان تندترین و در میان بلندپروازان سبک پروازترین است (جی کارنوی: ۲۶-۲۵، دوستخواه: ۲۷۴). در میان نگاره‌های حرم مطهر چهار مرتبه نقش «وَرْتَرُغَنَ» ترسیم گردیده که در هر چهار مورد، شاهین به رنگ خاکستری مایل به قهوه‌ای پرندۀ دیگری به رنگ زرد و بال‌های آبی را از ناحیه پاها گرفته و به محل قلب و گردن او نوک می‌زند. (لچکی‌های ایوان شمالی صحن آزادی) (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱: نقش شاهین در لچکی‌های ایوان شمالی صحن آزادی؛
عکس از سید علی حسینیان نسب

این نقش آشنا را بر روی یک درب قلمدان برنزی در ششتمد سبزوار و کف یک ظرف سفالی مربوط به قرن ۵ و ۶ ه.ق در نیشابور موجود در مجموعه خصوصی - برلین - و روی یک پلاک سفالی در شادیاخ نیشابور مربوط به قرن ۶ ه.ق داریم. (لباف خانیکی)



تصویر ۱۰: نقش پرندگان در صحن آزادی؛
عکس از سید علی حسینیان نسب



تشکر:

آقای دکتر مهدی صحراگرد که در تکمیل عکس‌های مقاله همکاری نمودند.

منابع:

۱. بهار، مهرداد، (۱۳۶۲)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات توس.
۲. حسینی، محسن. نیکجو، سوسن (۱۴۰۰) «بررسی روایت حمله شیران درکاشی کاری‌های دوره قاجار حرم مطهر رضوی»، خراسان نامک، گردآوری میثم لباف خانیکی با همکاری محمد مهدی امینی قمی، تهران: خانه اندیشمندان.
۳. خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۳) مفاتیح العلوم، ترجمه سید حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۴. دهخدا. علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، جلد ۱. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
۵. شاپور شهبازی. علیرضا (۱۳۸۴)، راهنمای مستند تخت جمشید، تهران: بنیاد پژوهشی پارسه.
۶. شوالیه. ژان، گریبان. آلن (۱۳۷۹)، فرهنگ نمادها، جلد ۲، ترجمه و تحقیق سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
۷. دوستخواه. جلیل (۱۳۶۴)، اوستا، تهران: انتشارات مروارید.
۸. فردوسی. ابوالقاسم (۱۳۶۳)، شاهنامه فردوسی، جلد ۱ (نسخه ژول مول) تهران: کتابهای جیبی.
۹. قزوینی. ذکریا بن محمد بن محمود المکمنی (۱۳۴۰)، عجایب المخلوقات، تصحیح و مقابله نصرالله سبوحی، تهران: کتابخانه مرکزی.
۱۰. کارنوی. ا. جی، اساطیر ایرانی، ترجمه دکتر احمد طباطبایی. تهران: انتشارات اپیکور.
۱۱. کسروی. احمد (۲۵۳۶)، کاروند کسروی، به کوشش یحیی ذکاء، تهران: کتابهای جیبی.
۱۲. کمبل. جوزف (۱۳۷۷)، قدرت اسطوره. ترجمه عباس مخبر، تهران: نشرمرکز.
۱۳. کوپاجی. ج. ک. (۱۳۶۲)، آیین‌ها و افسانه‌های چین باستان ترجمه جلیل دوستخواه، تهران: کتاب جیبی.
۱۴. لباف خانیکی. رجبعلی (۱۴۰۰) «تجلی صور فلکی و اسطوره‌های کهن» لوحه سفالی شادیاخ، فصلنامه پاژ، شماره ۴۱ سال ۱۴۰۰.
۱۵. هال. جیمز (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۶. هینلز. جان (۱۳۶۸) شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
۱۷. یاحقی. محمد جعفر (۱۳۶۹)، فرهنگ اساطیر، تهران: سروش.